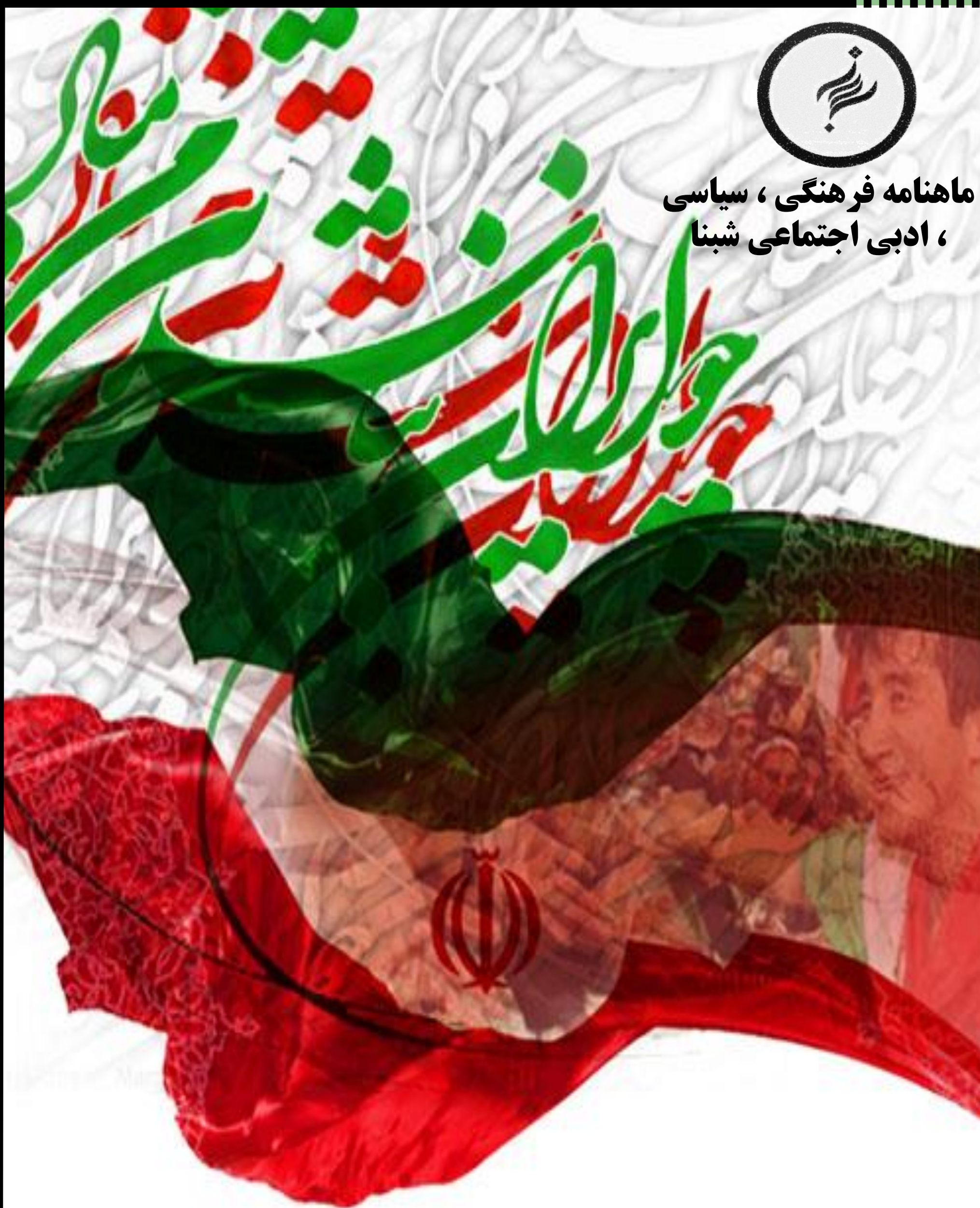




ماهنامه فرهنگی ، سیاسی
، ادبی اجتماعی شبنام



گزیده مطالب

- ✓ تأثیرات انقلاب اسلامی بر فضای فرهنگی در عرصه بین المللی
- ✓ راهپیمایی انقلاب
- ✓ رنگ رخساره
- ✓ مصاحبه

شماره دوازدهم / بهمن ۱۳۹۹



ماهنامه ی فرهنگی, سیاسی, ادبی اجتماعی شبنام

شماره دوازدهم

بهمن ۱۳۹۹

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی حوزه خاوران دانشگاه فرهنگیان تهران

مدیر مسئول: عادلۀ عظیمی

سر دبیر: سیده فاطمه موسوی

روابط عمومی: زهرا موسی زاده ، محدثه نثاری مقدم، عاطفه رضایی، رضوانه بختیاری

عکاس: سپیده میرزایی

ویراستار: مبینا علی کمالی

طراح جلد و صفحه آرایی: هانیه قلی بیکی



قیام بهار در بهمن



۱۲ بهمن سالروز ورود امام خمینی (ره) به ایران

شکاف های اجتماعی بر پایه زر و زیور، سر خم کردن مقابل سلطه جهانی مهم ترین مصادیق شرک و کفر است. عامل نابودی ما، استحاله ما از درون ماست؛ آن گاه که غرق روزمره شویم و شعله های امید برای رسیدن به آرمان آزادی و عدالت را در سینه هامان خاموش کنیم. امروز تزریق ناامیدی در شریان های حیات این جامعه برای مردن دستگاه حرکتی پیکرش، یعنی نسل جوان، تاکتیک اصلی دشمن است. ما در گام های نخستین دومین چله پر افتخار انقلاب اسلامی، کار و تلاش و مداومت بر سر آرمان ها را تنها راه موفقیت می دانیم. انقلابی می مانیم و انقلابی گری را ادامه می دهیم تا آن سان که بر قله ی علم و ادب و هنر نشسته باشیم و بار دیگر بخوانیم: خجسته باد این پیروزی!

ما نسل سوم و چهارمی های انقلاب هرگز لذت روز اعلام پیروزی خواست یک ملت را نچشیدیم. ما شادمانی اولین عید نوروز بعد از انقلاب را تجربه نکردیم. ما نفهمیدم لذت رهایی از ستم و رسیدن به آزادی چه طعمی دارد. ما هیچ وقت لحظه ورود امام(ره) به تهران را لمس نکردیم؛ اما تا دلتان بخواهد سقلمه سنگین این سوال که "انقلاب تا کی ادامه دارد و انقلابی گری تا کجا؟" را حس کرده ایم. همیشه ادامه دادن راهی که آغازگرش نباشی و حتی آغازگرانش از آن روی برگردانده باشند، دشوار است؛ اما راه، به نویدِ مراد ما، روشن است. مسیر هموار نیست و جز با صبر و استقامت طی نمی شود. ما مامور به شناخت و فهم درست گذشته ای شده ایم که تجربه اش نکرده ایم و مسئولیت آینده نیز بر گرده های ماست. ما آموخته ایم "تا شرک و کفر هست، مبارزه هست" و می دانیم "تا مبارزه هست، ما هستیم". فقر،



تأثیرات انقلاب اسلامی بر فضای فرهنگی در عرصه بین المللی

انقلاب اسلامی ایران باعث دگرگونی عظیمی در زمینه های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ایران شد و تأثیری شگرف در سطح جهانی به وجود آورد که اثرگذاری فرهنگی آن از اهمیت خاصی برخوردار است. با وجودی که انقلاب های بسیاری در جهان روی داده ولی انقلاب اسلامی ایران به دلیل روح دینی و ظلم ستیزی و حمایت از محرومان جامعه و به خصوص مبارزه با قدرت های شیطانی منحصر به فرد است. این انقلاب مورد توجه و تجزیه و تحلیل و حمایت و استقبال اندیشمندان و انقلابیون جهان قرار گرفت و تجلیل از آن در اندیشه های کلامی و شعری بسیاری بروز نمود و باعث شناخت مجدد اسلام در جهان معاصر گردید. این انقلاب نشان داد که در داخل جغرافیای کشور ایران محدود نمیشود بلکه تاثیرگذاری آن فراتر از مرزها رفته است. انقلاب اسلامی ایران تأثیر فوق العاده ای در سطح بین المللی برجای نهاده است.

۴. ایجاد وحدت و همبستگی اسلامی

یکی دیگر از آثار مثبت فرهنگی انقلاب، ایجاد الفت و اخوت اسلامی میان پیروان مکتب توحید بود. همان گونه که ملت مسلمان ایران، با وحدت کلمه و در سایه برادری اسلامی به رهبری امام امت، نظام مقدس جمهوری اسلامی را پایه ریزی کرد، سیاست خارجی اش را نیز بر اساس وحدت امت اسلامی تنظیم نمود و همه مسلمانان جهان را از آسیا تا آفریقا و خاورمیانه عربی تا اروپا و آمریکا که به مبانی توحید، نبوت، معاد، قرآن، حج و نماز معتقد بودند و به اسلام تعلق خاطر داشتند را برای حفظ وحدت اسلامی فرا خواند. انقلاب اسلامی توانست امت اسلامی در اقصی نقاط جهان را، علی رغم اختلافات جزئی فرقه ای که داشتند برای مبارزه با عوامل تفرقه، استعمارگران و صهیونیست ها در زیر پرچم (لا اله الا الله) به وحدت دعوت نماید و پیامدها و آسیب های تفرقه در بین مسلمانان را به آنان هشدار دهد.

۵. نقش مؤثر طرح گفتمان در سطح جهانی

برای اولین بار، پیشنهاد طرح «گفت و گوی تمدن ها» در پنجاه و سومین مجمع عمومی سازمان ملل متحد، از سوی "جناب آقای سیدمحمد خاتمی"، رئیس جمهوری اسلامی ایران در سطح بین المللی پیشنهاد شد و سال ۲۰۰۱ به عنوان «سال سازمان ملل برای گفت و گوی تمدن ها» تعیین گردید. طرح مزبور مورد استقبال گرم جهانیان، به ویژه پیروان ادیان و متفکران و روشنفکران برجسته دنیا قرار گرفت و این ابتکار جالب و شایسته دولت جمهوری اسلامی ایران را تحسین کردند. گفت و گوهای علمی و برقراری ارتباطات فرهنگی با پیروان سایر ادیان، تاکنون تأثیر زیادی در دنیا داشته است. انقلاب اسلامی ایران تأثیرات فرهنگی دیگری نیز داشته است از جمله: رشد مبارزات ضداستعماری و افزایش اعتماد به نفس در بین امت مسلمان _ طرح مباحث جدید در مجامع علمی، فکری و فرهنگی چون: نظریه ولایت فقیه، آزادی و دموکراسی، عدالت اجتماعی، حقوق بین الملل اسلامی، اندیشه سیاسی اسلامی، مبانی فقهی مشارکت سیاسی و... _ همبستگی با نهضت های آزادی بخش اسلامی و جانبداری از انتفاضه ملت مظلوم فلسطین - ایجاد انسجام و وحدت علمی جهان اسلام - استقبال سایر ادیان در جهت شناخت بیشتر مبانی اسلام و معارف اهل بیت(ع) - استقبال از طرح گفت و گوی تمدن ها، فرهنگ ها و ادیان - ترجمه و نشر آثار امام خمینی(ره)، مقام معظم رهبری و رهبران دینی و فکری انقلاب اسلامی به زبان های مختلف در جهان.

انقلاب اسلامی ایران باعث دگرگونی عظیمی در زمینه های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ایران شد و تأثیری شگرف در سطح جهانی به وجود آورد که اثرگذاری فرهنگی آن از اهمیت خاصی برخوردار است. با وجودی که انقلاب های بسیاری در جهان روی داده ولی انقلاب اسلامی ایران به دلیل روح دینی و ظلم ستیزی و حمایت از محرومان جامعه و به خصوص مبارزه با قدرت های شیطانی منحصر به فرد است. این انقلاب مورد توجه و تجزیه و تحلیل و حمایت و استقبال اندیشمندان و انقلابیون جهان قرار گرفت و تجلیل از آن در اندیشه های کلامی و شعری بسیاری بروز نمود و باعث شناخت مجدد اسلام در جهان معاصر گردید. این انقلاب نشان داد که در داخل جغرافیای کشور ایران محدود نمیشود بلکه تاثیرگذاری آن فراتر از مرزها رفته است. انقلاب اسلامی ایران تأثیر فوق العاده ای در سطح بین المللی برجای نهاده است.

تأثیرات فرهنگی انقلاب در عرصه بین المللی:

۱. احیای هویت دینی

یکی از مهم ترین آثار فرهنگی انقلاب اسلامی، احیای اندیشه و هویت دینی در جهان است. در آن موقعیت و شرایط سخت و دشواری که به تدریج اصول و مبانی دینی با تلاش حکومت های طاغوت و سردمداران لائیک فراموش می شدو هر روز هویت دینی و دین مداری کم رنگ تر می گردید، تا آنجا که در برخی از جوامع به خاطر حفظ باورهای دینی خجالت می کشیدند و پرده پوشی می کردند و تعهد و التزام به مبانی دینی و مذهبی جرم بود و یا مسخره می شد، در چنان شرایطی، نهضت امام خمینی(ره) تحول عظیمی در سطح جهانی ایجاد کرد. به برکت این انقلاب بزرگ، مردم مسلمان ایران و سایر کشورهای اسلامی دریافتند که راه حل همه مشکلات مسلمین در سایه بازگشت به اسلام و تمسک به قرآن است.

۲. طرح اندیشه حکومت اسلامی

بسیاری از اسلام شناسان و کارشناسان جهان اسلام و اندیشمندان غیرمسلمان، با وقوع انقلاب اسلامی در نظرات و دیدگاه های خویش تجدیدنظر نمودند؛ چرا که تشکیل حکومت اسلامی را امری ناممکن و به تعبیری شبه محال می دانستند و برخی از آنان مبارزه با طاغوت و حکومت های جور و سلطه جویان را به مثابه بازیکردن با دم شیر یاد می کردند. از این رو پیروزی انقلاب، معادلات سیاسی منطقه ای و بین المللی را درهم ریخت و راه برقراری حکومت اسلامی را برای سایر ملت ها هموار ساخت. امام راحل با این حرکت عظیم ثابت کرد که اسلام می تواند با تکیه بر اصول و مبانی برگرفته از قرآن و با اتکاء بر ارزش های اسلامی، در تأسیس یک حکومت مستقل از لحاظ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نقش داشته باشد.

۳. دفاع از آرمان مقدس فلسطین

انقلاب اسلامی ایران در زمانی به پیروزی رسید که پیمان ننگین کمپ دیوید با تلاش آمریکا بین رژیم اشغالگر قدس و سران خائن فلسطین به امضاء رسید و



نقش زنان در پیروزی انقلاب اسلامی

نقش زنان در صحنه های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بسیار فعالانه تر و قوی تر از هر زمان دیگری بود.

حضور زنان در صحنه های مبارزه و تلاش، بردباری خانواده های انقلابی در برابر انبوه مشکلاتی که رژیم ستمگر شاه برای آن ها پیش می آورد، ترغیب و تشویق همسران و پسران و مجاهده و تلاش در سرنگونی طاغوت، از جمله عوامل مؤثر در روند روبه تکامل انقلاب بود.

صبوری مادران داغ دیده که جوان های خود را در صحنه تظاهرات و راهپیمایی ها از دست می دادند و هیچ شکایتی نداشتند، از اموری است که نمی توان همانندی برای آن در جنبش های ملی و یا مذهبی در دیگر نقاط جهان پیدا کرد.

زنان در ایثار جان و فرزند در انقلاب پیشقدم بودند. در ایثار مال هم بر مردان سبقت جسته بودند. آنان آنچه ذخیره داشتند و با قناعت جمع کرده بودند، در طبق اخلاص گذاشته و تقدیم مستضعفان و محرومان کردند.

در واقع اگر همکاری خالصانه زنان با خانواده و همسرانشان در میادین مبارزه و زندان رفتن ها و شکنجه ها و آزارها نبود، شاید این مقاومت ها به ثمر نمی رسید و ریشه های سازنده و شکل دهنده انقلاب پا نمی گرفت.

مأموران رژیم وقتی صحنه نمایش میلیونی زنان را در تظاهرات خیابانی می دیدند و رفتارهای محبت آمیز و مادرانه آنها را که دلسوزانه از نظامیان می خواستند به جمع ملت بپیوندند مشاهده می کردند، سرانجام تصمیم گرفتند به آغوش مردم باز گردند و اسلحه های خود را بسوی فرماندهان و سرسپردگان رژیم نشانه گرفتند.

کسی زنان مسلمان را مجبور نکرده بود کودکانشان را در آغوش گرفته، در مقابل توپ و تانک و مسلسل های رژیم طاغوت بایستند. آنان به خاطر مقام و قدرت و ریاست، خود و فرزندانیشان را در معرض خطر قرار ندادند، بلکه عشق به اسلام و قرآن و پیشوایان معصوم بود که آنان را به صحنه کشاند.

زنان متعهد در دوران انقلاب اسلامی، نقشی ماندگار از خود به جای گذاشتند و به همگان ثابت کردند که شخصیت زن مسلمان در تبعیت از الگوهای مصرفی غرب و مد و مدپرستی و آنچه آنها برایش به ارمغان می آورند نیست بلکه چیزی که بر اعتبار و ارزش او می افزاید نجابت، شرافت و فداکاری در راه آرمان های اصیل دینی است که خداوند به آن ها ارزانی داشته است.

امام خمینی: «شما خواهران در این نهضت سهم بسزایی داشته اید».

انقلاب اسلامی ایران که در سال ۱۳۵۷ به پیروزی رسید، جنبشی بود که در پانزده خرداد ۱۳۴۲ آغاز شد. زن مسلمان ایرانی نیز در این سال های آتش زیر خاکستر، همگام با مردان در جهاد و مبارزه با طاغوت بود و هر چه به سال ۱۳۵۷ نزدیک می شد بر تعداد و بر شدت فعالیت این زنان افزوده می شد.

با شعله ور شدن آتش انقلاب، زن مسلمان نیز که تا پیش از این با فعالیت های مخفی و به عنوان مادر شهید و یا همسر مبارزین در بند، با رژیم شاه مبارزه می کرد، به خیابان ها آمد، با چادر مشکی، با فرزندش که او را در بغل گرفته بود، با مشت های گره کرده و با فریاد «مرگ بر شاه» و همین حرکت ایشان نهضت را قوت و تداوم بخشید.

آمدن شما خانم ها به خیابان ها و میدان های مبارزه، موجب این شد که مردها هم قوت پیدا کنند، تقویت شوند، روحیه آنها هم با آمدن شما تقویت شود.

شهادت شهید، ثمره دامن پر مهر و اندوخته دستان زحمتکش مادران فهیم و گرانقدری است که محبت مادری را با عشق الهی پیوند می زنند و روح و جان فرزندان خود را آماده می سازند که به قربانگاه شهادت قدم گذارند و به همین جهت حضرت امام خمینی رحمه الله در جای جای کلام خویش، زنان را پیشگامان انقلاب معرفی می کند.

زنایی که در تظاهرات در صف مقدم حاضر بودند، زنایی که با حرکت خود، مردان را برای حضور و مبارزه تشجیع کردند، زنایی که فرزندان خود را برای شهادت تربیت کردند، زنای که با پاسداری از خون شهدا، انقلاب را تداوم بخشیدند...

امام رحمه الله می فرمایند: «ما نهضت خودمان را مدیون زن ها می دانیم.» و همین نکته برای بیان نقش زنان در پیروزی انقلاب اسلامی از هر کلامی رساتر است.

زنان، نه تنها در پیروزی انقلاب اسلامی سهم بزرگی ایفا کردند، بلکه در تثبیت نظام جمهوری اسلامی و تداوم انقلاب اسلامی حرف نخست را زدند و با حضور در صحنه های گوناگون انقلاب اسلامی، توطئه های دشمنان را نقش بر آب ساختند.

هرچند زنان ایرانی برای اولین بار نبود که حضور خویش را در صحنه سیاسی و اجتماعی به اثبات می رساندند، ولی گسترده گی و کیفیت و مشارکت فعالانه و متعهدانه این قشر در لحظات حساس و سرنوشت ساز ملت در انقلاب اسلامی، بی سابقه و در جهان بی نظیر است.



راهپیمایی انقلاب

قدم دوم چون کشاورزی است که مزار لاله های عاشق را آبیاری میکند و مهر گلگون شهادت را بر پرچم با اقتدار ایران زمین میزند و درس ایستادگی و مقاومت را در خطوط کتاب میهن به نگارش درمیآورد و مدال ایشار و قهرمانی بر گردن شهیدان می اندازد. مقاومت و ایستادگی هشت ساله جوانان دلیر ایران، نماز ایمان و فداکاری را به اقامه درآورد و سند محکم حقانیت انقلاب است .

قدم سوم غوغای جوانان آزاده ماست؛ همان دبستانی های امید ولایت که امروزه نسل پیروز کشور هستند و روح بزرگ تر کشور را با حماسه های بی نظیر در صحنه های خون، جانی دوباره می بخشند . آری، قدم به قدم جلو خواهیم رفت تا قله های جلال و عظمت میهن سرشار از زیبایی مان، مانند ستاره ای درخشان در عمق سیاهی کیهان بدرخشد و مسیری هموار را به هر درراه مانده درمانده بشناساند . حرکت چهل و دو ساله انقلاب چونان راهپیمایی عظیم در کوچه پس کوچه های فجر، حکایتی است عاشقانه و عارفانه برای آیندگان.

خورشید طلوع میکند و روزی دوباره شروع میشود . در کوچه پس کوچه های شهر، مردم در حال گذر هستند . چشمهای اشک بار، فریاد غم آلودی سر میدهند و دستان نیازمند، خودرا مچاله کرده و ناله شادی روانه گوشهای خسته میکند .

خبری از باران رحمت نیست ولی عابران چتر بر سر گرفته اند، خبری از عشق نیست ولی مردمان کاسه گدایی محبت در دست دارند، خبری از امید نیست ولی دست دعا روبه آسمان ظالم گشوده شده است. در هیاهوی گرمای زجر آور خورشید، ناگهان ابرهای تیره در آسمان ظاهر می شوند و رعد و برق انقلاب، نوای آزادی خواهی سر میدهد . باران خون چکه میکند و جوشش رود امید غواصان جان برکف امیدوار را چونان ماهی، روانه اقیانوس ایران آزاد میکند . همین سرآغاز حرکتی بزرگ برای ماست . قدم اول چون جریان آب در رگ برگهای نهال انقلاب، تازگی و طراوت را به افکار ناامید بازگرداند و حيله های شیطان زمان را در نطفه خفه کرد . پیمان امت با ولایت همان روح سبز نهضت انقلاب ماست.



رنگ رخساره (۲)

آن زمان به علت کندی سرعت اینترنت بود که همه ۷۰۰ هزار شغلی که دولت میگفت ایجاد کرده ایم را، در هیچ سایت و منبع پیدا نکردم!

اما حال و آینده مهم است و بس.....

من به لطف آمدن فورجی عزیز به محل زندگی ام، به سرعت و در کمترین زمان از تعطیلی کارخانه ها مطلع می شوم و دیگر وقتم را برای دانلود و بارگزاری فایل های شغلی نمی گذرانم. البته ناگفته نماند که با وجود فورجی شدن اینترنت، من هنوز هم ۷۰۰ هزار شغل ایجاد شده در کشور را پیدا نکردم و با چند تن از دوستان فارغ التحصیل خود و چند تن از کارکنان همان کارخانه های تعطیل شده، مشغول بازی کلش آف کلنز هستیم! بالاخره به گفته یکی از وزیران حامی رشد ما جوانان، چندین وزیر به دنبال رفع فیلتر این بازی بودند و این از انصاف به دور است که نسبت به این بازی بی توجه باشیم و باعث آزدگی آنان شویم!

خلاصه در کنار این کارجوهای گذشته و بیکاران حال و شاید آینده، با اینترنت فورجی از بیکاری مان لذت می بریم.

والسلام

رنگ رخساره کشورم در بعضی نقاط حتی از رنگ پوست میت هم سفیدتر بود. به مرور کمی خون به کشورم برگشت اما.....

از زبان کارجو یا جویای کار محترم :

همیشه شاهد بگو مگوی پدر و دایی ام در زمینه مسائل سیاسی بوده و هستم . حالا با نزدیک شدن به انتخابات و حتی با وجود مشخص نشدن کاندیدهای ریاست جمهوری، آنان همچنان با هم اختلاف نظر عمیقی دارند. اما مثل همیشه، ملاک من برای انتخاب مشخص است. از زمانی که در روستای محل زندگی ام، علامت E بالای صفحه گوشی ام به 4G تبدیل شد، با خودم عهد کردم که در دوره های بعدی انتخابات به کسی رای دهم که فورجی آور باشد. چون زندگی بدون 4G امکان ندارد.

من مدت های طولانی جویای کار بودم؛ اوایلش از محضر اینترنت E روستا مستفیض می شدم و در طی مدت زمانی که می خواستم فایل شرایط شغلی فلان شرکت را دانلود و مدارکم را ارسال کنم، دولت محترم تصمیم می گرفت که تولید محصول همان شرکت را متوقف کند و آن را با کیفیت و قیمت کمتری از کشور "اون چون اون" وارد کند. در نتیجه در باطن استخدام، دیگر جانی نمی ماند. شاید در



گام دوم یک دو امدادی

اقتصادی و فرهنگی رخ دهد. یعنی در ۴۰ ساله دوم مبتنی بر دستاوردهای گام اول یعنی ثبات نظام سیاسی و قدرت دفاعی و امنیت ملی، باید انقلاب دیگری را رقم بزنیم که در عرصه اقتصادی و فرهنگی انحرافات گذشته را جبران کند.

۲- آیا به راستی شعارهای انقلاب که رهبری آن را "جهانی، فطری و افول ناپذیر" تعبیر می‌کنند، در جامعه امروز ایران آن‌گونه است که همه جان‌ها تشنه تحقق آن باشند؟

هرکس از فطرت سالمی بهره مند باشد قطعاً عاشق عدالت و صلح است، قطعاً از دروغ‌گویی و ابتذال انسانیت ناخشنود است و به دنبال استقلال، شرافت، عزت و آزادی حقیقی است. همان‌طور که می‌دانیم خداوند سرشت انسان یا همان فطرت را به امانت به همه انسانها هبه کرد تا چراغ راه انسان باشد. هرکس فطرت خودش را سالم نگه دارد و برنامه‌های زندگی‌اش را با فطرت انسانی سازگار کند درحقیقت دین خدا را می‌یابد. در قرآن کریم آیه بسیار زیبایی را مشاهده می‌کنیم که فرموده فاقم وجهک لدین حنیفا فطرت الله الّتی فطر الناس علیها لا تبدل لخلق الله. این آیه به صراحت می‌فرماید که دین و فطرت در یک راستا هستند و هرکس بر مبنای ایمان و تعقل دین را بیابد در حقیقت بر مبنای فطرت الهی خویش قدم برداشته و از آنجایی که خداوند در این آیه تصریح فرموده فطرت انسانی که خداوند ما را بر آن پایه خلق کرده هرگز تبدیل نمی‌شود. بلکه ممکن است که برخی از انسانها با غفلت این موهبت و امانت الهی را نادیده بگیرند و با روی آوردن به شهوات نفسانی و میدان دادن به غرایز حیوانی قوت و قدرت فطرت را کاهش دهند ولی هیچ وقت فطرت از بین نمی‌رود. شاهد این امر این است که انسانهایی را می‌شناسیم که یک زمانی به شدت با دین و انقلاب در تعارض بودند، غرق در خودباختگی و چه بسا گناهان سنگین بوده‌اند؛ ولی در یک برهه از زمان و شرایطی خاص تغییر می‌کنند و حتی جان خودشان را برای دین و اسلام و انقلاب فدا می‌کنند. این، یعنی انسانها ممکن است در برهه‌ای خاص از شعارهای انقلابی دست بردارند یا به ظاهر با آن مخالفت کنند یا اصلاً برایشان اهمیتی نداشته باشد ولی به محض اینکه در شرایط مناسبی قرار بگیرند و همت و غیرت و انسانیتشان به جوش آید، حتماً این شعارهای حقیقی برآمده از فطرت پاک انسانی مبنای آنها خواهد شد.

در شرایط فعلی شاید برخی از مردم کشور ما از برخی رفتارهای مسئولین متحیر و ناراحت باشند و حتی به شرایط پیش آمده ناسزا بگویند ولی تجربه نشان داده است به وقتش پای این شعارها جان و جانانشان را هدیه می‌دهند. وقتی پای عزت و استقلال کشور به میان می‌آید، با دشمنان رفتاری را می‌کنند که شایسته آنهاست. دعوای خانوادگی بین ما و مسئولین سر جای خودش باقی می‌ماند؛ اما چون اصل نظام ما بر مبنای شعارهای درست و حقیقت برآمده از فطرت و دین خداست، برای مردم مسلمان ما هرگز رنگ نمی‌بازد.

خانم دکتر استاد درس انقلاب ما بود. وقتی حرف اعتماد کردن و اهمیت دادن به نسل جوان شود، استاد ما تئوری‌های انقلابی را عملی می‌کند. در کارشناسی، شیمی خوانده و عاشق بچه‌های علوم پایه است. پای درس و کلاسش که باشی، حرارت لذت بردنش از مصاحبت با دانشجو‌ها را حتی از سامانه‌های مجازی یادگیری حس می‌کنی. یادم هست که یک روز در کلاس مجازی مناظره مدافعان و مخالفان مسیر انقلاب راه انداخت. ضبط کلاس را متوقف کرد. به بچه‌ها برای پرسش و انتقاد و مخالفت شجاعت و فرصت داد. کاستی‌ها را می‌گفت اما حتی ذره‌ای ناامیدی نسبت به آینده در دل بچه‌ها نمی‌انداخت. برای او تک‌تک ما بچه‌های انقلاب بودیم؛ حتی مخالفان. وقتی با او برای این مصاحبه تماس گرفتم آنقدر متوضعانه رفتار کرد که باور نمی‌کردم با استاد دانشگاه صحبت می‌کنم. او خود را رفیق من نامید. خانم دکتر انسیه یزدانیان، دکتری علوم قرآن و حدیث دارد و استاد دانشگاه فرهنگیان است. با او صمیمانه به گفت‌وگو نشستیم.

۱- اولین سوال را این‌گونه آغاز می‌کنم. چرا چهل سالگی؟ برای نسل ما، در همین ابتدا چرایی صدور این بیانیه از سوی رهبر معظم انقلاب در آستانه چهل سالگی انقلاب، محل سوال است. آقا در صحبت‌های آغازین می‌فرمایند "نسلی که اینک وارد فرآیند بزرگ و جهانی چهل سال دوم می‌شود"

در ادبیات اسلامی ۴۰ سالگی یا اصطلاحاً اربعین، عدد مقدسی است و به سبب تکامل و رشد شناخته شده است. قطعاً در ۴۰ سال نخست انقلاب اسلامی ما قدمهای بسیار بزرگی برداشته ایم و طبق بیانات حضرت آقا، ما در این ۴۰ سال سه رکن اساسی را در انقلاب اسلامی به کمال و بلوغ مشاهده می‌کنیم یک بلوغ در حاکمیت سیاسی کشور و رسیدن به استقلال سیاسی، دوم بلوغ در بخش دفاعی و سوم بلوغ در ساحت امنیتی.

این سه رکن در گام اول انقلاب به ثبات رسیده است ولی طبق نکات بسیار مهمی که در بخش توصیه‌های گام دوم رهبری معظم به آن اشاره فرمودند، در موضوعات بسیار مهمی از جمله رشد عملی، توسعه اقتصادی و برقراری عدالت اجتماعی و اخلاق و معنویت هنوز راه بسیاری در پیش داریم. واضح است که بسیاری از کسانی که با انگیزه کشور را از دست استکبار و استبداد داخلی نجات دادند و انقلاب را به ثمر رساندند و تا کنون از آن محافظت کردند یا از دنیا رفته‌اند و یا در سنین کنه‌سالی هستند. عجیب نیست اگر رهبر این انقلاب در چنین زمان حساسی بخواهند جوانان را برای پذیرفتن و تحویل گرفتن این مسئولیت بسیار خطیر آماده کنند. جوانهای ما باید بدانند که زمان ایراد گرفتن و انتقاد، گذشته است و باید خود را برای به دوش کشیدن این بار بزرگ مهیا کنند.

گام دوم انقلاب همتی بسیار بزرگ می‌طلبد که در آن باید حرکتی از نوع انقلاب



اساسا عقل هر انسانی تایید می کند که تجربه، بهترین معلم انسان است. وقتی کسی از تجربه دیگران به خوبی استفاده کند درواقع از بهترین معلم استفاده کرده است بدون اینکه عمر خود را در کسب تجربه تلف کند. انسان زیرک حتما از تجربه ها درس می گیرد و با تفکر و تعقل مصداق های خطا و رشد و صلاح دیگران را در زندگی خویش پیدا می کند. بسیاری از دشمنان ما چه مبغضین و چه جاهلین ممکن است با دستکاری تاریخ و وقایع مربوط به انقلاب، اهداف و آرمانها و حقایق را به گونه ای تغییر دهند که ما در مسیر پیش رو دچار حیرت و سرگردانی و حتی اشتباه شویم. لذا اینکه آقا می فرمایند گذشته را مبنای حرکت و گام های استوار در آینده کنید به این نکته توجه داشته باشید که ایشان تصریح می کنند برای برداشتن گام های استوار در آینده باید گذشته را صحیح شناخت و این درست شناختن گذشته است که موضوعیت دارد.

۵- به نظر من امروز محور اصلی ضربه دشمن به همین شعار "ما می توانیم" و جایگزین کردن گفتمانی در تقابل با آن است. نمونه اش را در ماجرای واکسن ایرانی کرونا دیدیم. نظر شما در این باره چیست؟

نکته بسیار دقیقی را اشاره فرمودید. اگر اهل مطالعه تاریخ باشید حتما این راهبرد را رصد کرده اید. مهمترین راهبرد تسلط بر جوامع انسانی و استثمار آنها تلقین "ما عقب مانده ایم" و "ما نمی توانیم" است. تلاش دشمنانی که همیشه منافع خود را در محتاج بودن شما به آنها می دانند این است که شما را انسانهای عاجز و عقب مانده نشان دهند و به گونه ای عزت نفس شما را تضعیف کنند که تا ابد خود را محتاج آنها بدانید. این از اصلی ترین تاکتیکهای روانی دشمن است. وقتی شما باور کنید که عاجز و ناتوان هستید به سادگی در برابر دشمنان شکست می خورید و معرکه را واگذار می کنید.

طبیعی است که دشمن هوشیار به صراحت نگوید شما نمی توانید. بلکه از طرق گوناگون و از ابزار و وسایل گوناگون رسانه ای و اجتماعی استفاده می کنند تا این باور را غیر مستقیم در ذهن مخاطبان خود جای دهند.

همان گونه که فرمودید نمونه اخیر آن ماجرای واکسن ایرانی است. به گونه ای تمیز دشمنان ما این پیام را در ذهن برخی از هم وطنان ما مخابره کرده اند که حتی حقایق آشکار روبه روی خود را نمی بینند. کسانی که قربانیان کرونا در انگلیس را نادیده می گیرند و خبرهایی که از قربانیان واکسن فایزر حکایت می کند را کنار می گذارند و اصرار دارند که این واکسن ها هرچه هستند باید به کشور وارد شوند، یا کسانی هستند که مغرضانه و هدفمند در مسیر تخریب اذهان عمومی گام برمی دارند و یا اینکه جاهلانی هستند که حتی به حداقلهای دانش در اختیار خود فکر نمی کنند. چه کسانی دشمنان سلامت این مردم هستند؟ آمریکایی ها که از واردات داروی برخی بیماریهای خاص به واسطه تحریم ها جلوگیری کردند و تعداد زیادی از کودکان ما قربانی این تحریمهای دارویی شدند چه شده که الان ایثار گر شده اند و می خواهند در شرایطی که مردم کشورشان تلفات می دهند واکسن های خود را به کشور ما بفروشند؟

۳- ما معلمان چگونه می توانیم نسبت نسل جوان و نوجوان را با شعارهای انقلاب که دستگاه تبلیغاتی دشمن آن را در ذهنشان متحجرانه تثبیت می کند، به درستی شکل دهیم؟

اما شما معلمان آینده باید با رفتارهایتان فرزندان عزیز میهن را بسازید. وقتی دانش آموزان به شما نگاه می کنند شما را سراسر امید به آینده ببینند. معلمانی با نشاط که تلاش می کنند دانش آموزان خود را به آینده روشن که حق آنهاست، بشارت بدهند. فرصتهای بسیار زیادی که در کشور وجود دارد را به آنها نشان بدهید و کمک کنید که بچه ها با امید به اینکه این سرمایه ها و این ذخایر پایان ناپذیر در اختیار آنها هستند، به شرط اینکه خودشان بخواهند می توانند با کمک این منابع و ذخایر عظیم ملی آینده ای روشن برای خودشان فراهم کنند. در کل پیشنهاد من به همه معلمان سرزمینم این است که هویت حقیقی یک ایرانی مسلمان را برای بچه ها ترسیم کنند. همین که فرزندان ما بدانند که هستند و چه دارند و چگونه می توانند از این داشته ها استفاده کنند چرخ های زندگی در این سرزمین همیشه می چرخد و سرفراز و سربلند از مرزهای حقیقت و انسانیت دفاع می کند. مواظب باشید این سرمایه ها آسیب نبینند. هر قدر از شرایط زندگی و تدبیرهای سوء مسئولین در رنج هستید آن را به فضایی تیره و ناامید کننده برای نسل تازه نفس تبدیل نکنید؛ بلکه شور و شوقی ایجاد کنید که بدانند اگر مدیرانی لایق بر سرکار بیاورند و اگر دست به دست هم تلاش کنند روزگار آنها بسیار زیباتر از روزگار ما خواهد بود.

به نظرم بهترین کار یک معلم این است که فارغ از آن علم و دانشی که قرار است در چارچوب وظیفه معلمی خود به دانش آموزانش انتقال دهد با طرح درس های زنده و پویا "تفکر" فرزندان ما را غنی کند. یادمان باشد دشمنان این انقلاب برای اینکه بچه های ما خوب فکر نکنند در اتاق فکر خودشان ماه ها و بلکه سالها فکر کرده اند و این راهبرد معلمان ما می تواند تمام نقشه های آنان را نقش بر آب کند.

اینکه می گویند معملی شغل انبیاست، جمله ای راهبردی برای شماست. اگر تامل داشته باشیم متوجه می شویم که انبیای الهی بیش از هرچیز به تفکر و تعقل دعوت می کردند و برای فعال نگاهداشتن و محافظت از فطرت انسانی تلاش می کردند بنابراین معلمان عزیز ما هم باید بیش از آموختن فرمول فیزیک و شیمی و ریاضی خوب فکر کردن و تعقل را به دانش آموزان یاد بدهند خیلی از این فرمولها در گذر زمان از یادها می رود ولی مهارت تفکر و تعقل بهترین چیزی است که یک معلم به مربی خودش هدیه می دهد که کاربرد آن در طول زمان زندگی بی نظیر است.

۴- ریشه قرآنی و دینی این راهبرد" سیر در گذشته برای گام های استوار در آینده" را برایمان توضیح دهید.

این راهبرد اساسا یک راهبرد الهی است. جای جای قرآن کریم از این راهبرد پر شده است. چه در آیاتی که داستانهای اقوام گذشته را بیان فرموده و چه آیاتی که به صورت صریح و مستقیم به پیامبر اکرم امر می کند که به داستانها و عبرتهای گذشتگان و انبیای گذشته توجه کنند و از هدایت ایشان پیروی کنند.



ایرانی که در بسیاری از عرصه های علمی و دانش پزشکی سرآمد منطقه و در رتبه های بسیار برتر جهانی است ناگهان به گونه ای معرفی می شود که عاجز از ساخت یک واکسن می شود.

دشمنان ما کار خود را بسیار خوب بلدند اما باید با تبیین گری و بدون ایجاد حساسیت و با تعقل و بیان نمونه ها به مردم خود اطمینان دهیم که دانشمندان ما هم مجهز به صلاح علم هستند و هم ایمانشان به اندازه ای هست که نخواهند برای رسیدن به سرمایه های کلان جان انسانها را به خطر بیندازند.

در نظر بگیرید که اخیراً در برخی از رسانه ها منتشر شد که مدیرعامل شرکت فایزر خودش راضی نشد از این واکسن استفاده کند! بیان این واقعیت‌های قابل تأمل به ما کمک می کند که این بحران را به خوبی پشت سر بگذاریم. مردم ما انسانهای فهمیده ای هستند شاید در برخی زمانها برخی درگیر جوسازی ها شوند ولی وقتی حقایق به آرامی در اختیارشان قرار گیرد، عاقلانه به تصمیم می رسند.

۶- رهبر انقلاب از "نشانه های امیدبخش" که در برابر چشم جوانان است، صحبت کردند. اگر قرار باشد شما این نشانه ها را به خصوص برای جامعه زنان و دختران دانشجو مطرح کنید، چه می گوئید؟

من به شدت معتقدم که اتفاقات بسیار خوبی در حوزه زنان و دختران جامعه ما واقع شده است و البته تا رسیدن به وضع مطلوب هنوز خیلی فاصله داریم. ما یک نگاه مدبرانه و عبرت جویانه به گذشته زنان کشورمان و توصیف شرایط فعلی نقطه های امیدواری را برجسته می کند و نوید بخش مسیری درخشان است.

در نظر بگیرید زمانی نه چندان دور در دهه های ۴۰ و ۵۰ زنان ما برای مشکلات پزشکی خود باید به سراغ پزشکان مرد آمریکایی و هندی و ... می رفتند و کشور ما از داشتن تعداد کافی از پزشکان مجرب و امین محروم بود. اکنون یک نگاه اجمالی کافیهست که ببینیم تقریباً در همه عرصه های پزشکی زنانی در اوج تخصص و قابلیت های علمی و توانایی های پزشکی حضور فعال دارند و به ویژه در مشکلات خاص زنان شرایط درمانی آنها را فراهم می کنند. بسیاری از مشکلات ناباروری در کشور ما به همت دانشمندان توانمند حل شده است. در عرصه های علمی و فناوری حضور بانوان چشم گیر و امید بخش است. در زمانهایی که آموختن سواد برای بسیاری از دختران آرزو بود و به دلایل متعدد و مشکلات مختلف آنها را از ادامه تحصیل در مقاطع پس از ابتدایی محروم میشدند اکنون دختران ما با آرامش تا هر مقطعی از تحصیل که بخواهند می توانند پیشرفت کنند و افتخار آفرین باشند.

آنچه که دوست دارم به آن اشاره کنم این است که گرچه به لحاظ آماری دستاوردهای نسبتاً قابل قبولی در اکثر موارد برای زنان کشورمان فراهم شده است؛ اما به نظر من آنچه بیش از همه این آمارها امیدبخش است این است که در زمان طاغوت بنای ساختارهای حاکمیتی بر این بود که زنان ابزاری برای خوشگذرانی و لذت باشند. محمدرضا شاه برای مردان کشور ما در مقایسه با مردان امریکایی ارزش و بهایی قائل نبود چه رسد به زنان کشور که آنها را تنها برای عیش و نوشهای شبانه خود به کار می گرفت!

در چنین شرایطی مردی بلند قامت می ایستد و از زنان کشور خود به عنوان ناموس ایران مسلمان حمایت می کند، کرامت انسانی زنان را طلب می کند، از قوانین الهی و نگاه خداوند به زن سخن می گوید، درست مثل آن زمانی که در عصر جاهلیت زن مظلوم بود و با تفکر جاهلی مایه خفت و رنج مردان بود تا جایی که سنت شد که دختران را از همان ابتدا زنده به گور کنند و پیامبر اسلام این رسم و سنت جاهلی را برچید و با بوسه بر دستان دخترش مقامی والا به زن بخشید در دوران معاصر رسم جاهلیت مدرن آمد تا هویت و کرامت زن را زنده به گور کند و جسم او را ابزار تفریح شهوت پرستان کند!

وقتی زن را از خانواده بگیري درحقيقت جامعه را نابود کردی! آن زمان که خانواده آلوده و سست شود عملاً از اين جامعه تفکر و تعقل و رشادت و شهامت را نمی شود توقع داشت! مادام که جامعه اسير شهوات و گرفتار مشکلات پيوندهای خانوادگی باشند، دشمن هرکار که بخواهد انجام می دهد. با مطالعه کتاب مساله حجاب در غرب آقای دکتر غلامی می توانيد به خوبی به اين مساله پی ببريد که مشکلاتی که اکنون بسیاری از زنان غربی با آن دست به گريبان هستند به گونه ایست که برخی از نهادهای قانونگذاری و مجامع قانون گذاری در صدد بازگشت از اين فجایع و ایجاد فضای امن تری برای زنان هستند. اينها از مسیری باز می گردند که حکومت شاهنشاهی ما را به آن سو می برد.

انقلاب اسلامی به دنبال الگوسازی زنانی چون حضرت زینب (س) است. انقلاب ما دست زنان را گرفت و الگوهای ناپاک حیوانی را به زباله دان تاریخ انداخت و الگویی بی نظیر از زن مسلمان را به جهانیان معرفی کرد. زنانی فهیم و عاقل که در اوج عفت و حجب و حیا علاوه بر آنکه محور خانواده هستند، در عرصه های اجتماعی دوشادوش مردان این سرزمین برای پیشرفت علم و دانش و عزت و استقلال کشور تلاش می کنند و در بسیاری از این عرصه قله ها را به دست می آورند.

و کمی تامل در تاریخ این سرزمین نشان می دهد زنانی در انقلاب اسلامی معرفی شدند که حضرت زینب سلام الله علیها را الگوی حقیقی خویش قرار دادند و از جان و جانان خود گذشتند تا این انقلاب و اسلام سرفراز باقی بماند و این تعریف حقیقی از یک زن مسلمان ایرانی است. وقتی می بینیم در عصری که گفتمان همه انسانها دنیا و تجملات دنیایی است دختران و مادرانی را می بینیم که فرزندان و همسران خود را تجهیز می کنند و برای دفاع از مرزهای دین بدرقه می کنند! پرورش چنین زنانی که نه تنها خود را در دنیا و مافیها اسیر نساخته اند بلکه از همه چیز خود و از جانان خود می گذرند که ظلم و تباهی در عالم پایان یابد بزرگترین نقاط امید بخش این انقلاب اسلامی است.

بگذارید راه دور نرویم وجود شما دانشجویان بصیر و حقیقت بین از بزرگترین دستاوردهای نورانی و امید بخش این انقلاب اسلامی است. در جایی که تمام رسانه های ریز و درشت در حال تلاش و سرمایه گذاری هستند که شما را از تفکر و درک حقایق دور و اسیر شهوات کنند شما جسورانه و حق بینانه در پی کشف دشمنی ها و یافتن مسیر حق و حقیقت هستی؛ این یعنی امید حقیقی.

بنابراین بازیابی هویت و کرامت انسانی زنان و الگو سازی حضرت زهرا و حضرت زینب سلام الله علیهما در جریان انقلاب اسلامی بزرگترین دستاورد و نقطه امید برای زنان کشور ماست.

۷- "شعور معنوی و وجدان اخلاق" در جامعه چه برکاتی دارد؟

اخلاق آن هوای لطیفی است که در جامعه‌ی بشری اگر وجود داشته باشد، انسانها میتوانند با تنفس در آن فضا زندگی سالمی داشته باشند. وقتی اخلاق رفت، حرص و طمع ها، هوای نفسها، جهانتها، دنیاطلبیها، فخر فروشی ها و کینه های شخصی، حسادتها، بخلها، سوءظن و تهمت به یکدیگر وارد می شود. در چنین شرایطی هوای مناسب برای تنفس در جامعه وجود ندارد. اخلاق هوای روح انسان است!

همانطور که می دانید همیشه جامعه ما از دو قشر، آسیب جدی تری می بیند. گروهی که جاهلند اما متمسک به ظواهر دین و هر جا قدم می گذارند به دلیل عدم تخصص و دانش و مهارت کافی و فهم عمیق دینی خسارتهای متعددی به بار می آورند. در مقابل گروهی هستند که از دانش و مهارتهای بسیار مفیدی بهره مند هستند ولی از آنجا که فرصت کافی برای تعقل و تفکر در امر دین نگذاشته اند و برای رسیدن به مکارم اخلاق تلاشی نکرده اند صرفا دانشمندانی هستند که گرچه تخصص کافی دارند اما چون تعهد و اخلاق را محور کار خود قرار نداده اند می توانند به سادگی تخصص خود را نه برای خدمت به خلق خدا بلکه برای تامین منافع شخصی و حزبی خود به کار برند.

دین ما به شدت عقل مدار است. کسانی که از معنویات صرفاً یک ظاهر آراسته را انتخاب کنند و برای فهم عمیق مسائل دینی وقت نگذارند همان انسانهای جاهلی هستند که آسیبهای جدی بر جای می گذارند. هر مسئولیتی را به این افراد بسپارید، چون شعور دینی ندارند و از معنویت و اخلاق فهم عمیقی به دست نیاورده اند تصمیمات ایشان بر مبنای ظاهر دین است و چون منافع را دریافت نکرده اند، آسیبهای فردی و اجتماعی به بار می آورند. از طرف دیگر دانش و مهارت در سایه تلاش انسان به دست می آید. خواه این انسان اهل دین و معنویت و اخلاق باشد یا مادی گرا و سکولار. اما تفاوت عمیقی در کاربرد این تخصص و دانش وجود دارد.



۹- عدالت در صدر هدف های اولیه همه بعثت های الهی " از منظر دینی و قرآنی برایمان توضیح دهید.

در قلمرو حیات اجتماعی، چیزی که به‌عنوان هدف بعثت انبیا معین شده است، عدالت اجتماعی است. در قرآن کریم آمده است: لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ در تاریخ بشریت همیشه و همه جا دعواها و اختلافات زیادی بر اثر زیاده طلبی و بر هم زدن تعادل در حقوق یکدیگر به چشم می خورد. آن چیزی که در طول تاریخ بشر برای انسانها مساله بوده و بشر تشنه آن است، رسیدن به عدل و قسط است که در آیه شریفه به آن اشاره شده است. البته می دانید که قسط معنای خاصی از عدل است. عدل معنای عام است «بالعدل قامت السموات و الارض» عدل یعنی یک موازنه صحیح یعنی هرچیز سر جای خودش قرار بگیرد و از حد اعتدال خود خارج نشود. وقتی همین معنای عدل را در مناسبات اجتماعی و در جریان اجتماعی در نظر می گیرید می شود قسط. این همان چیزی است که جریانهای فکری و مکاتب مختلف کمونیستی و امپریالیستی با توهم توانایی عقل انسانی، به دنبال رسیدن به آن دست و پا می زنند. این ها کسانی هستند که از انسان شناسی، تنها جسمی را شناخته اند که می توانند با چشمان خود ببینند. بله وقتی انسان همین موجود دو دست و دویا شد، تصور می کنند که باید با همین دانش اجمالی خود می توانند به راه حل مسائل مهم زندگی اجتماعی برسند؛ اما آیا عقل انسانی توانسته تا کنون راه حلی برای برقراری عدالت اجتماعی ارائه دهد؟ گروهی که در نظام های امپریالیستی به دنبال برقراری عدالت اجتماعی هستند معتقدند باید هر فرد با هر نوع توان و داشته ای به عرصه رقابت وارد شود و بر مبنای انگیزه های فردی سهم خود را از اجتماع دریافت کند. حاصل این مدل فکری اختلاف طبقاتی بسیار فجیعی است که در جوامع غربی مشهود است. در مقابل در نظام سوسیالیستی این انگیزه های فردی هستند که سرکوب می شوند و ثروت کلی جامعه رشد پیدا نمی کند؛ یعنی عقل گروهی از انسانها تابع قانونی است که با توزیع نابرابر ثروت در جوامع خود سرمایه داری را رشد می دهند و جامعه را به دو قطب غنی و فقیر تقسیم می کنند و انگیزه های منفعت طلبانه برخی از سودجویان بسیاری از مردم ضعیف را در خود هضم می کند. و در عوض کمونیستهایی که عدالت را به تقسیم و توزیع برابر سرمایه عمومی می دانند انگیزه های فردی را در نظر نمی گیرند و معنای عدالت اجتماعی را اینگونه ذکر می کنند که همه به هر اندازه ای که کار کنند دریافتی آنان درست به اندازه دیگران است. حالا اگر کسی خلاقیتی داشته باشید انگیزه های قوی تری را به میدان آورد با کسی که هیچ انگیزه ای نداشته و از خلاقیت و ابتکار تهی است یکسان از منابع ملی بهره مند می شوند.

شما بفرمایید کدام عقل، انسان را به عدالت اجتماعی می رساند؟ اینجاست که انسان های عاقل بعد از بررسی آثار و نتایج اعتماد به عقل انسانی متوجه می شوند که اگرچه عقل ما به خوبی مفهوم عدالت را شناخته و به دنبال آن می گردد ولی تحقق آن و مصداق عدالت تنها از جانب وحی و از سوی شرایع و انبیای الهی قابل فهم است. انسانی که به جهان بینی توحیدی می رسد می داند که تنها راه تحقق عدالت اجتماعی از طریق عمل به آموزه های وحیانی محقق می شود. در آیه کریمه ای که ابتدای سخن عرض کردم ضمن اشاره مستقیم به این مطلب که از مهمترین ماموریتهای انبیا برقراری عدالت است، به صراحت بیان می فرماید که خداوند با پیامبران خود آموزه های وحیانی اش را نازل فرمود تا دستور العملی برای مردم باشد و به کمک آن، مردم بتوانند قسط را در جامعه برقرار کنند.

سخنم را کوتاه کنم عدالت اجتماعی از جنس حرف و سخن نیست که بخشی از آن را بخوانند و بخشی را در شعارها ذکر کنند و برخی را با عقاید خود ناسازگار بدانند. عدالت اجتماعی، از جنس عملکرد است؛ تنها زمانی برقرار می شود که به تمامی دستورات وحیانی قرآن کریم عمل شود. یکی از مشکلات مهمی که در جامعه فعلی ما مشاهده می شود این است که برخی از مردم، منتظرند تا رهبری عدالت اجتماعی را در کشور برقرار کند. غافل از آنکه عدالت اجتماعی باید به دست مردم در جامعه برپا شود، « لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ » . بله مسئولیت برقراری عدالت اجتماعی در جامعه بر عهده حاکم اسلامی است. اما وقتی مردم در برپایی قسط و عدل تلاشی نکنند حتی اگر علی علیه السلام حاکم باشد، نمی تواند عدالت اجتماعی را برقرار کند. در جامعه ما هم بازوهای حاکمیت، قوای مقننه و قوای اجرایی کشور است و مردم باید در عرصه انتخابات، کسانی را که متعهد به دستورات قرآن کریم و سنت معصومین علیهم السلام هستند و مصمم به برقراری عدالت اجتماعی هستند انتخاب کنند و این حداقل کاری است که مردم ما می توانند برای رسیدن به این آرزوی بزرگ انسانی انجام بدهند.

فردی که بر محور اخلاق گام بر می دارد قرآن و عترت را مبنای رفتارها و گفتارهای خودش قرار می دهد. چنین فردی خودباخته نیست و علم و دانش و مهارتهای خود را برای خدمت به جوامع انسانی به کار می گیرد و هرگز در مسیر ذلت و خودفروشی گام برنمی دارد. معنای عزت و سربلندی را درک می کند و تفاوت دوست و دشمن را بر اساس آموزه های دینی به دست می آورد. آزادی را بر مبنای جهان بینی توحیدی تعریف می کند و برای تامین آزادی حقیقی انسانها تلاش می کند. در یک کلام انسانی که با معارف حق و با استمداد از فهم قران کریم و آموزه های اهل بیت رشد می کند هر رفتاری را که بر مبنای دانش و مهارتش انجام می دهد سراسر برکت و رشد برای جامعه است. شما جایی را سراغ ندارید که اخلاق در آن اثر جدی نگذارد. در محیط خانواده حرف اول را اخلاق می زند وقتی پدر و مادر بر مبنای صداقت، صبر، گذشت، وفاداری، حیا و عفاف زندگی کنند محیط خانواده سرشار از آرامش و برکت و اطمینان خواهد بود. در چنین محیطی انسان رشد می کند. هریک از مرد و زن که در جامعه وظایفی را بر عهده گرفته اند وقتی در منزل اخلاق محور زندگی باشد در محیط کار هم می توانند با آرامش و تمرکز و اعتماد به نفس کافی وظایف خود را به انجام برسانند. وقتی نگرش هر یک از زوجین به همدیگر براین مبنا استوار باشد که همسرم امانت الهی است و من برای رشد او باید هرچه در توان دارم بگذارم تا او به کمال نزدیک بشود، فشارهای اجتماعی را برای هم کم می کنند و همدیگر را به سمت رشد و تعالی در مسیر علم و کسب مهارت سوق می دهند. وقتی اخلاق مبنای زندگی باشد فرزندان این خانواده در کانون ادب و حیا رشد می کنند و با حضورشان در عرصه های مختلف جامعه تولید فرهنگ می کنند و هرگز سربار جامعه نمی شوند. حالا این برکات عظیم را در تعداد خانواده هایی که یک جامعه را پدید می آورند ضرب کنید! وقتی همه برای هم ارزش انسانی قائلند وقتی فضای جامعه را صبر و گذشت پر می کند، وقتی فداکاری و ایثار مبنای کمک به دیگران باشد این جامعه سراسر آرامش و لطف می شود.

حالا همین حس و حال را در نظر بگیرید وقتی مسئولین سرشار از صداقت باشند و عدالت را مبنای کار قرار بدهند. وقتی به جای فرافکنی و تهمت به دیگران، خود و وجدان اخلاقی خود را ملاک عمل قرار دهند. در تصمیمات داخلی در مقابل خودی ها مهربان و با ادب و احترام باشند (رحماء بینهم) و در عرصه های روابط بین المللی مقتدرانه، شجاعانه و با عزت نفس برخورد کنند. هرقدر فضای جامعه با فضایل اخلاقی پیوند عمیق تری پیدا کند، تحقق انسانیت آسان تر می شود. **هر قدر مردم ما با معارف دینی ارتباط مفهومی برقرار کنند و حکمتهای رفتارهای اخلاقی را درک کنند نتایج آن در جامعه گسترش بیشتری پیدا می کند. نمای داخلی کشور، همدلی و صفا و نشاط و امید است و نمای بین المللی اقتدار و شکوه و الگوسازی است.** سرنوشت امتی که بر مبنای اخلاق اسلامی، همدل و همزبان شجاع و صبور پشت به پشت یکدیگر داده با تلاش و همت، شکوه عزت و هویت دینی و ملی خود را به رخ جهانیان می کشند و با استقامت در برابر استبداد و استکبار ایستادگی می کنند با سرنوشت مردمی که سست عنصر و ضعیف باشند و با هر سختی خود را در برابر دشمنان واداده و تسلیم کنند، قابل مقایسه نیست. رسیدن به اوج اخلاق و معنویت بر آمده از فهم و شعور، مهمترین ماموریت انسان سازی پیامبر اکرم و اهل بیت پاک و مطهر ایشان بوده و هست. هرقدر که ما در ایجاد مکارم اخلاق مبتنی بر فهم دقیق از دین، تلاش بیشتری کنیم این استقامت و تلاش، ما را قدم به قدم به تحقق آرمان شهر مهدوی نزدیک تر می کند.

۸- توصیه شما به جامعه معلمان برای تنظیم یک برنامه جامع به گفته رهبر انقلاب در این راستا چیست؟

قطعا نقش معلمین ما در این جریان انسان سازی بی نظیر و شکوه مند است. چرا که جبران بسیاری از کاستی های موجود در جامعه به دلیل نقص های قانونی و کاستی های تربیتی بر جای مانده از گذشته، بر دوش معلمان فهیم ماست. معلمان در دوره های مختلف کودکی و نوجوانی فرزندان ما، به فراخور نیازها و اقتضائات هر دوره می توانند با رفتارهای برگرفته از محبت و انصاف، کانون توجه فرزندان ما قرار بگیرند و با رفتارهای برگرفته از آموزه های قرآنی و اخلاق نبوی به گونه در قلب دانش آموزان خود نفوذ کنند به طوری که آنها معلم خود را مبنا و الگوی رفتاری خود قرار بدهند. تاثیر گذاری معلم در مدرسه، در برخی موارد به مراتب از تاثیر خانواده جدی تر است. بنابراین این فرصت بسیار خوبی برای شما دانشجو معلمان عزیز است که خود را بسازید و بر مبنای رحمت و مودت و عفو و فداکاری، سعی در ساختن جامعه ای زیبا کنید که در آن اخلاق و ادب، حرف اول را می زند. تصور کنید از فرزندانی که شما امروز تربیت می کنید در آینده مسئولین و مدیرانی به ثمر می نشینند که صداقت، انصاف، ادب و احترام به مردم را سرلوحه عمل قرار دهند.



پیش بگیرند با مطالعه کتاب انسان ۲۵۰ ساله مسیر درست و بصیرت لازم را به دست می‌آورند. کسانی که می‌خواهند از نظر اعتقادی سبک زندگی ایمانی داشته باشند می‌توانند از کتابهای بسیار خوبی مثل طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن یا آثار بی نظیر شهید مطهری استفاده کنند. در سبک زندگی اخلاقی پیشنهاد ویژه من مطالعه مجموعه کتابهای ادب الهی استاد بزرگوار حاج آقا مجتبی تهرانی است؛ به ویژه مطالعه کتاب حیا، موهبتی الهی یا کتاب پژوهشی در فرهنگ حیا از استاد عباس پسندیده. شما بعد از مطالعه این کتابها زندگی جدیدی را تجربه می‌کنید. مطالعه آثار اساتید بزرگ تعلیم و تربیت در حوزه کسب مهارتهای زندگی مشترک برای جوانهای در آستانه ازدواج بسیار مهم و ارزشمند است. سبک زندگی اسلامی مفهومی بسیار عام و گسترده است و این طور نیست که در یک بعد یا در چند کتاب بتوانید سبک زندگی را فرا بگیرید باید تلاش کنید و در همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی نمادهای رفتاری و الگوهای زندگی را کشف کنید و با عملکرد خود آنها را مدرسه و جامعه پیرامون خود نشر بدهید. درد جامعه ما این است که ما مسلمان شیعه هستیم ولی بهره بسیار کمی از سبک زندگی قرآنی و برگرفته از سنت نبوی داریم. هجوم شیوه ها و مظاهر زندگی غربی باعث شده همون بخش از زندگی ایمانی را هم تحت تاثیر قرار بدهد. یادمان باشد که مهمترین شیوه دشمن برای براندازی نظام های برگرفته از اسلام تغییر شیوه زندگی و سبک زندگی ایمانی آنهاست.



۱۱- در پایان اگر نکته ای باقی مانده است، بفرمایید.

انقلاب اسلامی از ۲۲ بهمن سال ۵۷ در نقطه آغاز خود قرار گرفت. **انقلاب اسلامی یک مسیر است نه یک اتفاق! یک دوی امدادی است.** در چله اول انقلاب مردان و زنان با ایمانی پیدا شدند که به ندای فطرت و انسانیت گوش دادند و گرداگرد امام خود از جان و جانان خود گذشتند بسیاری از آنها دیگر در بین ما نیستند و حالا در طول این مسیر پیش رو گام های جدی تری باید برداشته شود تا این انقلاب زمینه ساز تجلی تمدن اسلامی و ظهور حجت ابن الحسن علیه السلام باشد.

در گام اول جنس مولفه های انقلابی گری بیشتر با واژه هایی چون استقامت، شهامت، شهادت پیوند خورده بود و الان این مولفه ها متناسب با شرایط جدید باید تعریف شوند. الان کسی که در جبهه اقتصادی کشور کارافرینی می کند یک انقلابی است. کسی که در عرصه تعلیم و تربیت، انسان سازی می کند، یک انقلابی انحرافاتی است که از گذشته با ما همراه بوده و به دلیل چالشهای بسیار زیاد تاکنون فرصت و توان لازم برای رسیدگی و حل این مشکلات پیدا نشده بود. حالا با تزریق نیروهای تازه نفس که شما جوانان انقلابی هستید این مسیر پیش رفتنی است و مادامی که جوانان ما از اهداف و آرمانهای کسانی که این مسیر را آغاز کردند و راه را برای آیندگان هموار کردند، مطلع باشند و آرمانهای آنان را آرمانهایی الهی، مبنایی و عقلانی بدانند، می‌توانند این انقلاب را تا رسیدن به نقطه ای کمال خود که رساندن جامعه به حیات طیبه و برقراری عدالت اجتماعی است پیش ببرند. ان شاء الله

۱۰- رهبر انقلاب در گام دوم درباره سبک زندگی فرمودند: "سخن لازم در این مورد بسیار است". اگر بخواهید برای مطالعه و تحقیق به ما توصیه کنید، چه مواردی را پیشنهاد می‌دهید،

معتقدم سبک زندگی ما باید از مطالعه هدفمند و موضوعی قرآن کریم به دست بیاید. شما وقتی مساله محور وارد مطالعه و فهم قرآن کریم و به تبع آن روایات معصومین علیهم السلام می شوید، می بینید بهترین روش ها و سبک ها برای رسیدن به زندگی مطلوب و حیات طیبه، در قرآن کریم ذکر شده است. برخی آیات به صراحت و برخی دیگر به اشارت؛ بنابراین به نظر من مراجعه مداوم و هدفمند به مفاهیم قرآن کریم بهترین و زلالترین منبع برای رسیدن به سبک زندگی اسلامی است.

در گام بعدی مراجعه به "سیره معصومین"، "اولیای الهی" و "شهدا" که مصداق های عینی از سبک زندگی قرآنی را در مواضع مختلف و در صحنه های فردی و اجتماعی به ما نشان می دهند، راهگشاست. قطعاً اگر بتوانید از این کتابها استفاده کنید آرام آرام حس می کنید سبک زندگی شما به قهرمانان و الگوهای زندگیتان نزدیک می شود. خیلی راه دور نرویم وقتی سردار سلیمانی به شهادت رسید خیلی ها به واسطه عظمت روحی این بزرگ مرد، نگاهشان را نسبت به زندگی تغییر دادند. برای رسیدن به زندگی که پایان آن ختم به شهادت باشد باید شهیدانه زندگی کرد.

مومنین واقعی به تعبیر قرآن کریم یا "شهید شدند" و یا در "انتظار شهادتند" **مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا** " وقتی می خواهید سبک زندگی ایمانی را برای خودتان مجسم کنید، تا وقتی شهید نشدی باید در انتظار شهادت باشی! این یعنی تمام رفتارهای ما باید شهیدانه باشد درست مثل حاج قاسم سلیمانی که تبدیل شد به یک الگو و یک مکتب انسان سازی. ایشان صاحب سبک زندگی شهیدانه است. به تعبیر قرآن کریم اگر بخواهم ایشان را و سبک زندگی ایشان را وصف کنم این طور می گویم: **يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ** ایشان کسی بودند که محبوب خداوند بودند و خداوند را دوست داشتند در برابر مومنان، خاکسار و بر دشمنان سخت و نفوذ ناپذیر بودند؛ دائماً در حال جهاد و مبارزه برای خدا بودند زندگی بندی بر دست و پای ایشان نبود بلکه زندگی روی دوش ایشان بود و از هیچ سرزنشی نمی هراسیدند. عقب نشینی نمی کردند.

این یعنی سبک زندگی مومنانه. مراقبت می خواهد. اینکه شما دائم در جهاد باشید به این معنا نیست که حتما در میدان جنگ باشید. جهاد در همه عرصه های علمی، مهارتی، اقتصادی، فرهنگی، زندگی مشترک تربیت انسان و ... برقرار است.

حالا همین یک مثال ساده را شما بگیرید. در قرآن کریم به هر آیه با دقت و تامل نگاه کنید سبک زندگی مطلوب از نظر خداوند سبحان برای ما تعریف می شود. در قرآن کریم آیات قابل توجهی با خطاب مستقیم یا ایها الذین آمنوا ذکر شده که بعد از آن دستوراتی بیان شده است. اگر بتوانیم حداقل همین آیات را مورد تامل قرار بدهیم، می توانیم به سبک زندگی مومنانه دست پیدا کنیم.

سبک زندگی مومنانه در برخورد با مومنان این است که ای مومنان خدا را اطاعت کنید. نماز بخوانید، روزه بگیرید، اتفاق کنید رزق حلال بخورید، با حیا و عفاف باشید، از زبان خود مراقبت کنید، خدا را یاری کنید، در راه خدا جهاد کنید، ناسزا نگویید، آزار ندهید، غیبت نکنید، بهتان نزنید، مسخره نکنید، صداقت داشته باشید اسراف و تبذیر نکنید، کم فروشی نکنید، ربا نخورید، صبور باشید، عفو و گذشت پیشه کنید. آنقدر مطالب عمیق در ذیل این آیات وجود دارد که انسان لارم است در شیوه تحقق این دستورات تدبر کند. بهترین روشها برای عمل کردن به این دستورات قرآنی در کتابهای متعدد مورد توجه اندیشمندان و متفکران قرار گرفته است. در تمام جزئیات زندگی شما دستور العمل می بینید حتی به صورت غیر مستقیم وقتی شما به اقامه نماز در اوقات فضیلت آن پایبند باشید نظم عجیبی در زندگی شما پدیدار می شود که ثمره زندگی دینی است. به موقع می خوابید که از درک سحر محروم نباشید. وقتی به احکام طهارت و غسل عمل می کنید بهداشت را در زندگی خود پیاده می کنید. این ها همه از قرآن کریم و روایات ائمه طاهرین قابل دریافت است. سبک زندگی دینی همان مسیر صبغه الله است وقتی رنگ خدایی به زندگی مان بدهیم سبک زندگی ما، حیات طیبه را به ارمغان می آورد.

شاید برای برخی از دوستان استنطاق از قرآن (به سخن آوردن قرآن) و فهم مدلول روایات اهل بیت علیهم السلام کار آسانی نباشد اما کتابهای بسیار روان و سخنرانی های بسیار خوبی از اساتید مختلف برجای مانده که اکثر آنها از مفاهیم قرآنی برآمده است. مثلاً کسانی که می خواهند از نظر سیاسی سبک زندگی اسلامی را در



مهارت های زندگی

فرهنگی / به قلم میترا کزازی

بسیاری در دراز مدت برای شما خواهد داشت .این مهم از بهترین سرمایه گذاری هایی هست که می توانید برای خود و زندگی اتان داشته باشید.

مهارت های زندگی در سال ۱۹۷۹ میلادی با اقدامات دکتر گیلبرت بوتون برای دانش آموزان تدوین شد که با استقبال فراوان مواجه شد و رفتارهای جرات مندانه تصمیم گیری و تفکر نقادانه را بهبود می بخشید . این مهارت ها در ارتقای سطح بهداشت جهانی مورد توجه قرار گرفت و به دو صورت به کار می رود.

مدل ده گانه شامل :

خودآگاهی(نقاط قوت ، نقاط ضعف، خود واقع بینانه، حقوق و مسئولیت ها، توضیح ارزش ها) .

تصمیم گیری و حل مسئله(مشکل به عنوان فرصت). همدلی و هوش هیجانی.(احترام قائل شدن برای دیگران).

تفکر خلاق و تفکر انتقادی.

کنترل خشم،

زبان بدن و مهارت بین فردی(همکاری و مشارکت ، دوست یابی).

استرس.

قدرت نه گفتن(تحمل افراد مختلف،رفتار همراه با پرخاشگری کمتر)،

اعتماد به نفس.

H-4 در ایالت متحده آمریکا

که مربوط به سازمان امور جوانان است و بنیاد ملی غذا و کشاورزی آن را اداره می کند و رسالت آن به کارگیری جوانان جهت استعداد آنان و پیشبرد حوزه توسعه جوانان است و شامل

head:(سر):، تصمیم گیری ، حل مسئله ،یادبگیریم

چگونه بیاموزیم؟

heart(قلب):ارتباط، همفکری، مهارت های اجتماعی، حل تعارض، پذیرش تفاوت ها

hand(دست):شرکت در خدمات داوطلبانه، مسئولیت پذیری، همکاری در گروه

health(سلامتی):سبک زندگی سالم، مدیریت استرس، پیشگیری از بیماری و امنیت شخصی

توانایی و درک مهارت های زندگی یک هدیه است و کسب این مهارت ها خود یک مهارت است و تمایل به کاربرد آن ها یک انتخاب است .به خاطر داشته باشید که هنگامی که شروع به یادگیری مهارت های زندگی میکنید زمان و صبر کافی به خرج دهید نگران نباشید در ابتدا کمی مشکل به نظر می رسد اما شما این توانایی را دارید که خود را به کسب این توانایی ها تجهیز کنید و در این خصوص آشنایی با تاریخچه شکل گیری مهارت های زندگی و حوزه های تخصصی و کاربردی اش کمک بسیاری به شما می کند.البته همه ما کم و بیش با عنوان مهارت های زندگی آشنا هستیم و این اصطلاح را در رسانه ها یا برنامه های روانشناسی شنیده ایم ولی کمتر با کاربرد .فواید و د نحوه ی یادگیری این مهارت ها آشنا هستیم . به همین دلیل قصد داریم چگونگی و چیستی این مهارت هارا مورد بررسی قرار دهیم.

خود اصطلاح مهارت در معانی مختلفی به کاررفته است ولی در کل وقتی می گوییم کسی مهارت انجام کاری را دارد، یعنی اینکه او توانایی های لازم برای انجام صحیح کاری را دارد. بنابراین مهارت های زندگی می شود، توانایی های مورد نیاز زندگی ما که اجتماعی هستند و موجب می شوند تا بهتر بتوانیم به نحوی موثرتر با مشکلات و دشواری های زندگی مواجه شویم. البته هرکس با توجه به دیدگاه و برداشت خود مهارت های زندگی را تفسیر می کند و آن را به کار می برد اما ما نیاز داریم برای استفاده درست از مهارت های زندگی بهترین تعریف را داشته باشیم تا بتوانیم طبق آن به درک درست برسیم و از انجایی که سازمان بهداشت جهانی خود مبتکر و طراح مهارت های زندگی است قطعاً جامع ترین و قابل اعتماد ترین تعریف توسط این سازمان به کار رفته است و مهارت های زندگی را توانایی انجام رفتار سازگارانه و مثبت به گونه ای که فرد بتواند با چالش ها و ضروریات زندگی خود کنار بیاید می داند و درباره اهمیت آن خاطر نشان می کند که امروزه علی رغم ایجاد تغییرات عمیق فرهنگی و تغییر در شیوه های زندگی ،بسیاری از افراد در رویارویی با مسائل زندگی فاقد توانایی های لازم و اساسی هستند و همین امر آنان را در مواجهه با مشکلات زندگی روزمره و مقتضیات آن آسیب پذیر نموده است، بنابراین هر قدر رشد مهارت های زندگی در فرد قابل مشاهده تر باشد ، او بهتر می تواند سلامت روان و رفتار خود را حفظ کند و به شیوه ی منطقی و کارآمد مشکلات را حل کند و از آسیب های ناشی از ناتوانی حل مشکلات در امان بماند. می توان با قطعیت گفت که امروزه پژوهش های بسیار نشان داده اند که بسیاری از اختلالات روانی .عاطفی ریشه اجتماعی دارند برای مثال در زمینه سو مصرف مواد مشخص شده است که چهار عامل عزت نفس پایین. ناتوانی در بیان احساسات . فقدان مهارت های ارتباطی و تاثیر پذیری اجتماعی با این مشکل ارتباط دارند و در سازگاری افراد نقش بسیار مهمی دارند.پس باید به خاطر داشته باشیم که یادگیری مهارت های زندگی کیفیت زندگی شمارا بهتر می کند .به صرف هزینه نیاز ندارد و منافع



توجه

۱. شبنا یک نشریه کاملاً فراجناحی بوده، لذا تمامی مطالب و محتوای آن فارغ از هرگونه جهت گیری و بطور کاملاً بی طرف تهیه و تدوین شده است.

۲. توجه شود که در این مجله از اسماء متبرکه استفاده شده است لذا حفظ حریم و احترام آن به عهده ی خواننده می باشد.

۳. خواهشمندیم از هرگونه کپی برداری و یا استفاده ی صرف از محتویات نشریه خودداری شود. بدیهی است که الهام گیری و استفاده از تجربیات این اثر بلا اشکال می باشد.

۴. لطفا نظرات انتقادات و پیشنهادات خود را با روابط عمومی نشریه، در میان بگذارید.

روابط عمومی:

Rezvanspace_b
@la_fille_d_hiver

Miss_leyliiii7
Nesari93